

تعامل امیر شیر علی خان با شیعیان افغانستان

□ عبدالله علیزاده*

چکیده

زمانی که امیر شیر علی خان به حکومت رسید به علت فضای محدود و بسته سیاسی و اجتماعی و حاکمیت قبیله‌ای که مانع بزرگی برای تغییر و دگرگونی در کشور به شمار می‌آمد، تلاش کرد تا تغییراتی بنیادین را در جامعه افغانستان به وجود بیاورد، او موفق شد تا سنت‌های کهن قبیله را از بین ببرد و تغییراتی را در افغانستان به وجود بیاورد و جامعه را به سوی یک جامعه مدنی پیش ببرد. وی برای اولین بار در تاریخ افغانستان یک حکومت فراگیر متشکل از همه اقوام تشکیل داد و می‌خواست همه اقوام در سیاست سهیم باشند. همین مسئله باعث شد که هزاره‌های شیعه به خوبی از او حمایت کنند. برای دستگاه حکومتی و نظامی ساختار مشخصی را به وجود آورد، او فعالیت‌های مختلف و متفاوت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نسبت به حکومت‌های قبل در جهت آبادانی کشور انجام داد و در جهت رشد و بالندگی کشور نقش سازنده و تأثیرگذاری ایفا نمود.

کلیدواژه‌ها: امیر شیر علی خان، افغانستان، مکتب، فرهنگ، لویه جرگه.

*. طلبه سطح چهار مجتمع آموزش عالی فقه (alizadeh832@yahoo.com).

مقدمه

در سال (۱۸۶۹) امیرشیرعلی خان زمام امور افغانستان را به دست گرفت و سیاست‌های متفاوت را جهت اداره کشور طراحی و مورد اجرا گذاشت. امیر شیرعلی خان نسبت به شاهان قبلی فرد نسبتاً معدل و ارتباط و تعامل وی با اقوام دیگر متفاوت از هر زمان دیگر بود. وی خواهان رشد و پیشرفت کشور بود به طوری که با آمدن او فضای سیاسی اجتماعی و فرهنگی افغانستان بیش از هر زمانی دیگر تغییر کرد. از اینجاست که بحث تعامل و ارتباط وی با شیعیان افغانستان از نظر سیاسی و اجتماعی در این پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش برای کشف حقایق گذشته، افزایش آگاهی از سیاست‌های گذشته در افغانستان و تعامل شیعیان با حاکم وقت و بالعکس در با توجه به سیاست قومی و قبیله‌ای حاکم بر کشور مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. جهت روشن شدن بحث ابتدا به فعالیت‌های امیر شیرعلی خان در افغانستان اشاره می‌شود در ادامه به تعامل شیعیان با حاکم وقت و بالعکس پرداخته می‌شود.

معرفی اجمالی امیر شیرعلی خان

امیر شیرعلی خان یکی از شاهان خاندان محمدزایی بود. او توانست در قرن در ۱۹ در سال (۱۸۶۹) زمام امور افغانستان را به دست گیرد. افغانستان در دوره برادران محمدزایی از آغاز تا عهد امیر شیرعلی خان در زیر یک اداره ملوک الطویفی خاندانی، و زیر فشار استثمار شدید فئودالی قرار داشت. همین مسئله باعث شده بود که فیودال‌ها و اشراف از این زمینه به نفع خود استفاده کنند و جنگ داخلی را فروزان نگذاشته و دولت مرکزی را در تزلزل نگهدارد. باتصرف امارت کابل به دست شیرعلی خان او توانست در طول حاکمیتش تغییرات مثبت و سازنده در همه عرصه‌ها نسبت به گذشته به وجود آورد. این امیر متفاوت از حکمای گذشته خدمات متفاوت و مفید برای کشور افغانستان انجام داد و یک ساختار نوینی

را در افغانستان شکل داد. فعالیت‌های وی در سه بخش فرهنگی اجتماعی، خدماتی عمرانی و سیاسی نظامی بوده که به آنها می‌پردازیم.

۱. فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی

قبل از به حکومت رسیدن شیرعلی خان مراکز فرهنگی دولتی در افغانستان وجود نداشت. در زمان او بود که برای اولین بار مراکز فرهنگی دولتی در شهر کابل بنیان گذاری شد. «مراکز فرهنگی افغانستان به شکل عصری و رسمی - دولتی، در عصر امیر شیرعلی خان پایه گذاری شد و در عصر امیر حبیب‌الله خان گسترش نسبی یافته بود، در زمان امان‌الله خان به اوج و شکوفایی خود رسید» (دولت‌آبادی، سیر تحولات فرهنگی و آموزشی در افغانستان، مجله سراج، سال اول شماره ۱: ۱۰۹).

۱-۱. ساخت دو مکتب به شیوه مدرن

تأسیس مکتب جدید به صورت ملکی و نظامی از دیگر تغییرات امیر در کشور بود (غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، بی‌تا: ۱/ ۹۵۵).

۲-۱. تأسیس اولین مطبع در بالاحصار کابل

در عصر امیر شیرعلی خان اولین مطبع در بالاحصار کابل تأسیس شد «مطبعه لیتوگرافی به اهتمام میرزا عبدالعلی خان در بالاحصار کابل دایر نمود. در همین مطبعه بود که از سال ۱۸۷۵ جریده مشهور و نخستین افغانستان به نام شمس النهار در ۱۶ صفحه ماهی دو بار یا سه بار منتشر گردید» (همان).

۳-۱. انتشار اولین نشریه

امیر شیرعلی خان در ضمن توجه به فرهنگ زمینه انتشار اولین نشریه افغانستان را در افغانستان فراهم کرد. اولین اقدام او بعد از سرتاسری شدن حاکمیتش چاپ و نشر نشریه‌ای

به نام شمس النهار بود.

در زمان او بود که توجه ویژه‌ای به فرهنگ و اندیشه صورت گرفت. به گونه‌ای که برای اولین بار نشانه‌ای از مطبوعات و رسانه در کشور پدیدار گشت. انتشار هفته نامه شمس النهار در ذی الحجه (۱۲۹۰ق) به اهتمام شخصی به نام میرزا عبدالعلی در کابل آغاز شد. این هفته نامه خبرهای داخلی و خارجی را با اقتباس از جراید و رسانه‌های هندی نشر و پخش می‌کرد (همان: ۳۷۲).

۲. فعالیت‌های خدماتی عمرانی

وی علاوه بر کارهای فرهنگی، سیاسی، کارهای مهم دیگری در جهت عمران و آبادانی کشور انجام داد. پروژه‌های بزرگ ساختمانی را به وجود آورد. خدمات ملی و عمرانی بزرگی در کشور به عمل آورد. در ذیل ادارات جدید حکومتی که شیرعلی خان ایجاد کرده بود، ادارات پست و مخابرات بود که در مرکز و ولایات تاسیس شد (همان: ۹۵۴/۲). وی همچنین به احداث شهر یا ارك جدید در شمال کابل به نام شیرپور اقدام نمود (فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ۱۳۸۵: ۱-۲/۳۷۲).

۳. فعالیت‌های سیاسی نظامی

۳-۱. تشکیل دولت فراگیر

شیرعلی خان برای نخستین بار در تاریخ معاصر افغانستان، دست به تشکیل دولت فراگیر زد، زیرا در آن دولت اقوام گوناگون، اعم از پشتونها، هزاره‌ها و تاجیکها حضور داشتند. این دولت مرکب از پیروان مذهب تشیع و تسنن بود. نکته جالب اینکه برای اولین بار وزیر جنگ و وزیر دربار هر دو شیعه بودند. در این دوره بود که تا حدودی اتحاد و هبستگی در کشور ایجاد شد. از ارزش‌ها، باورها، و هنجارهای تنگ نظرانه قومی و نژادی، مذهبی و زبانی تا حدودی کاسته شد. زمینه مشارکت همه اقوام در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست

گذاری‌های کشور فراهم گردید.

نکته دیگر اینکه متأسفانه در مدتی که امیر شیرعلی خان در افغانستان به قدرت نشسته بود با اینکه اصلاحات زیادی را به وجود آورد، ولی او هیچ اقدامی در جهت استرداد اراضی و املاک عمومی و خصوصی شیعیان که در دوران گذشته مرسوم شده بود، انجام نداد.

۲-۳. تشکیل لویه جرگه

تشکیل لویه جرگه که با حضور علما و بزرگان اقوام، نهادهای مدنی، رسانه‌ها، احزاب سیاسی و... در افغانستان تشکیل می‌شود برای اولین بار در کابل توسط امیر شیرعلی خان برای جلب حمایت مردم از دولت و تأمین امنیت تشکیل شد. با تشکیل این لویه جرگه که ریاست آنرا خود امیر به عهده داشتن مردم از حکومت وقت حمایت نمودند و صلح و امنیت در کشور به وجود آمد. مرحوم غبار می‌گوید تشکیل لویه جرگه برای اولین بار که از سران اقوام در کابل تشکیل شده بود توسط شیرعلی خان منعقد گردید (غبار، همان: ۱/۹۵۴).

۳-۳. تنظیم دستگاه دولتی

تشکیل ساختار منظم دستگاه دولتی که توسط امیر شیرعلی خان پایه ریزی شد به طوری که کابینه دولت یک نظم و ساختار جدید به خود گرفت.

۱- تشکیل قوه اجرائیه در سال (۱۸۷۴م) با مشارکت افراد ذیل:

صدر اعظم (سید نورمحمدشاه فوشنجی، بعد از مرگ او مستوفی حبیب‌الله خان)

وزیر حربیه (حسین علی خان سپهسالار)

وزیر خارجه (ارسلان خال غلجائی بعد از مرگ او میرزا شاه محمدخان)

وزیر داخله (عصمت الله خان حشمت‌الملک)

وزیر مالیه (مستوفی حبیب‌الله خان وردکی)

وزیر خزائن (احمدعلی خان تیموری)

سرمنشی شاه (میرزا محمدحسن خان دبیرالملک)

۲- تشکیل شورای دولت: این شورا از ۱۲ نفر تشکیل می‌شدند و به صورت انتصابی از طرف شاه به صورت دائمی در شورا حضور داشتند.

۳-۴. ایجاد ارتش منظم

قبل از حکومت امیر شیرعلی خان نیروهای نظامی بیشتر شکل قبیله داشتند پایه و اساس ارتش منظم افغانستان در زمان امیر شیرعلی خان پایه‌گذاری شد و ارتش افغانستان تنظیم شد. اهم تغییرات او در بخش نظامی عبارت بود از تبدیل نیروی نظامی قومی و غیر منظم به نیروی منظم. به این صورت که وی اردویی مرکب از شصت هزار نفر که همه از دولت معاش اخذ می‌کردند، تشکیل داد. برای افراد نظامی لباس مخصوص داده شد. برای تعلیم آنها کتب درسی تالیف گردید (فرهنگ، همان: ۱- ۲/ ۳۷۱-۳۷۲). بنابراین، اولین اردوی منظم، سیستماتیک و تعلیم یافته در زمان او به وجود آمد. وی با این کار از پتانسیل‌های همه اقوام در جهت ایجاد ارتش قوی، کارآمد و منظم بهره گرفت. این سیاست، سیاستی است که می‌تواند دو تا پیامد مثبت داشته باشد: هم همدلی و تعامل اقوام کشور را افزایش می‌دهد و هم زمینه دخالت بیگانگان را در کشور فراهم نمی‌کند. کشوری که از یک سو دارای اتحاد و هبستگی باشد و از سوی دیگر از اردوی قوی و منظم برخوردار باشد، هیچ بیگانه‌ای نمی‌تواند چشم طمع به آن کشور بدوزد.

ساختار ارتش در زمان امیر به شرح ذیل می‌باشد:

- تعداد کل افراد اردو ۵۰۰۰۰ نفر

- ۷۵ غند پیاده نظام (مساوی ۳۴ هزار و چند صد نفر)

- ۲۰ غند سوار (۱۱ هزار و چند نفر)

- ۲۶ باتریه توب کوهی سواری و فیل (۱۵۰۰ نفر)

افسران: افغانی، هندی و انگلیسی

وزیر حربیه: سپهسالار حسین علی خان

معاش افراد پیاده: ماهانه ۷ روپیه

معاش افراد سواره: ماهانه ۱۴ روپیه

محل استقرار اردو: کابل، ننگرهار، پکتیا، قندهار، هرات، میمنه و بلخ (غبار، همان: ۹۵۶/۱).

۳-۵. ایجاد کارخانه تفنگ و توپ سازی

تأسیس فابریکه حربی از دیگر اختراعات امیر علی خان بود. او توانست کارخانه‌های منظم دارای دستگاه‌های توپ سازی و باروت سازی جهت تولید اسلحه در افغانستان تأسیس کرد. «از کارخانه توپ ریزی کابل ماهانه یک توپ بیرون می‌آمد و تفنگ و گرج و باروت به مقدار بیشتر از کارخانه‌ها استحصال می‌گردید» (همان: ۹۵۵).

۴. تعامل و روابط متقابل امیر و شیعیان

۱-۴. تعامل امیر با فنودالهای شیعیان هزاره

شیرعلی خان يك حاکم کم تعصب و دارای نگرش باز نسبت به دیگر اقوام بود. به مسایل اختلافی و تعصب قومی و قبیله‌ای کمتر توجه می‌کرد. برای همه اقوام حق سیاسی قایل بود. «امیر شهر علی خان هیچگاه تلاش نکرد کوشش به عمل نیاورد که فنودالهای هزاره را نابود نماید یا تضعیف نماید او کوشید تافتودال‌های را هرچه بیشتر به خود نزدیک سازد که در آینده آنها به قشر طبقه حاکمه و جناح دست راستی آن پیوندند» (تیمورخارف، تاریخ ملی هزاره‌ها، ۱۳۷۲: ۱۶۸). همین مسئله باعث شده بود که شیعیان از سیاست‌های او حمایت کنند.

۲-۴. توجه به اهل فرهنگ و اندیشه

امیر شیرعلی خان به اهل فرهنگ و اندیشه نیز توجه نمود در این دوره اندیشمندان مورد توجه قرار گرفت که از آن جمله می‌توان به شخصیت بی‌بدیل سید جمال‌الدین افغانی و

آخوند کلبی انگوری اشاره کرد

۱-۲-۴. آقا سید جمال‌الدین

نقش سید جمال‌الدین در تصمیمات و تغییر نگرش و دیدگاه امیر شیرعلی خان را نمی‌توان نادیده انگاشت، زیرا او مدت طولانی را در زمان شیرعلی خان در افغانستان به سر برد. در این زمان مشاور و همکار شاه بود؛ هرچند در نهایت با بروز اختلافاتی که میان او و امیر پیش آمد مجبور به ترک افغانستان شد.

امیر شیرعلی خان نیز پس از رسیدن به سلطنت افغانستان از کسای خوانده شده است که تلاک نمود از وجود و برنامه‌های اصلاحی و سیاسی سید جمال‌الدین بهره‌گیرد ولی به دلیل تفاوت‌ها در روش‌ها و اهداف سید جمال و امیر شیرعلی خان باعث شد که آن دو نتواند در کشور دست به دست هم داده تشریک مساعی دراز مدت و بدون تنش داشته (ناصری داودی، مشاهیر تشیع در افغانستان، ۱۳۸۱: ۴۹-۵۰).

امیر شیرعلی خان از شاهان بود که تعصب چندانی به اقوام، مذاهب و مناطق نداشت لذا او توانست در مسر ملت سازی، اعتماد گرایی و مشارکت همه اقوام در قدرت و انجام خدمات مختلف مانند تأسیس روزنامه، تشکیل ارتش منظم، تشکیل ارتش منظم و... در افغانستان موفق شود. برخی از پژوهشگران این خدمات و اقدامات را در اثر همکاری و راهنمای سید جمال می‌دانند (همان: ۴۹).

۲-۲-۴. آخوند کلبی انگوری

یکی از شخصیت‌هایی که نقش اساسی در اصلاح، پیشرفت و ترقی فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی و اسلامی داشت کلب رضا معروف به آخوند کلبی انگوری بود. او از علمای برجسته‌ای شیعه بود که گام‌های مهمی را در رشد انسانی و فرهنگ اسلامی جامعه افغانستان برداشت. تجاوز خونین استعمار و جنگ‌های ویرانگر شاهزادگان سدوزایی و محمدزایی، سیاست‌های ضد اسلامی دوست محمدخان، کشتار، حبس و تبعید سران مذهبی و ملی باعث عقب‌گرد

منطقه شیعه نشین هزاره جات شد. به طوریکه مردم بسیاری از احکام، دستورات و ارزش‌های اسلامی و مذهبی را از یاد بردند. مردم به خرافات و جعلیات به عنوان احکام شرعی می‌نگریستند؛ سنت‌ها و باورهای بومی و قومی را به جای وظایف و دستورات دینی جامعه عمل می‌پوشاندند. در چنین شرایط بود که آخوند کلبی انگوری بعد از تحصیل در مشهد وارد جامعه افغانستان شد. با استفاده از تساهل مذهبی و تسامح سیاسی و اصلاحاتی که توسط شیرعلی خان به وجود آمده بود، اقدام به اصلاح تفکر دینی، ترویج ارزش‌های اسلامی و آموزش‌های معارف دینی کرد. او وقتی جامعه را غرق در خرافات دینی و بی‌خبری و گرفتار در دام عقب ماندگی دید و علاقه و اشتیاق مردم را به اسلام و ارزش‌های اسلامی مشاهده کرد، در نزد سردار شیرعلی خان جاغوری رفت و نظر او را نسبت به تاسیس آموزشگاه و انجام تلاش‌های فرهنگی و آموزش احکام اسلامی در منطقه جاغوری و سپس مناطق دیگر هزاره‌جات جلب کرد. او شخصاً به آموزش و اجرای دستورات دینی پرداخت و خرافات و جعلیات را که آن روز وارد دین اسلام شده بود از بین برد. چهره حقیقی اسلامی و معارف اهل بیت را برای مردم آشکار کرد. شیرعلی خان نیز در ترویج احکام، ارزش‌ها، باورها و دستورات دینی با این عالم وظیفه‌شناس همکاری کرد و مردم را به تجدید نظر در باورهایشان فراخواند و موانع زیادی را از سر راه برداشت (ناصری داوودی، عبدالمجید، زمینه و پیشینه جنبش اصلاحی در افغانستان، ۱۳۷۹: ۱۰۲-۱۰۳).

۳-۴. حمایت شیعه هزاره از امیر شیرعلی خان

مردم شیعه هزاره از آغاز سلطنت امیر شیرعلی خان به طرف داری از او بر آمدند و علیه برادرانش قیام کرد، و سردار محمد اسلم خان و محمد حسین خان و محمد حسن خان را محاصره نموده تا قوای سردار محمد افضل خان از ترکستان آمده آنها را نجات دادند (غرجستانی، تهیه و تنظیم عزالله رحیمی، ۱۳۷۲: ۲۷).

۱-۳-۴. تصرف کابل مرهون رشادتهای شیعیان جاغوری

«هنگامی که شیرعلی خان به قصد تصرف مجدد کابل از قندهار لشکر کشید، هزاره‌های

غزنی به سرکردگی شیرعلی خان جاغوری به کمک او شتافتند. در راه حمایت او جان فشانی‌ها کردند و حتی دو هزار نفر از مردم جاغوری به طرفداری از او کشته شدند. پیروزی امیر شیرعلی خان و تصرف مجدد کابل مرهون رشادتهای شیعیان جاغوری بوده است (یزدانی، تاریخ تشیع در افغانستان، ۱۳۷۰: ۱۳۵).

۴-۴. اعطای رتبه دولتی به شیعیان

امیر هزاره‌های که در سالها جنگ به او یاری رسانیده بودند به مناصب بلند و لقبهای دولتی مفتخر ساخت. احمدعلی خان جاغوری لقب کرنیلی یافت شیرعلی خان بجنرالی رسید آنها حاکم رسمی مناطق جاغوری مقرر گردیدند (تیمورخارف، همان: ۱۶۸). «امیر شیرعلی خان به پاس خدمات و کمک‌های بی‌دریغ هزاره‌ها، با شیرعلی خان جاغوری روابط دوستانه‌ای برقرار کرد و حکومت او را بر تمام جاغوری به رسمیت شناخت و لقب سرداری به او داد» (یزدانی، همان: ۱۳۵). او را را مسلح با توپ و تفنگ نموده و اقتدار عظیم به او بخشید (غرجستانی، همان: ۲۷). «بیشترین توجه در زمان حکم روایی شیرعلی خان (۱۸۶۳-۱۸۶۷م) در طی سال‌های (۱۸۶۹-۱۸۷۰م) وقتی بود که هزاره‌های بلخاب، شیخ علی، دایزنگی، دایکندی و جاغوری با هم آشتی کردند. این هزاره‌ها قرار شد چون گذشته توسط میران خودشان اداره شوند، اما قبول کردند به حکومت مالیات پردازند. علاوه براین، امیر شیرعلی خان عنوان ایلخانی را به میر محمد، میر دایزنگی و عنوان سردار را به شیرعلی جاغوری اعطا نمود» (پولادی، تاریخ هزاره‌ها (تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی)، ۱۳۸۱: ۲۶۴-۲۶۵).

۴-۵. انتخاب محافظین شیعه

امیر شیرعلی خان با توجه به رشادتها و همکاری‌های شیعیان هزاره اعتماد خاصی نسبت به آنها پیدا کرده بود به طوری که محافظین شخصی خود را از میان شیعیان هزاره انتخاب کرده بود. «امیر شیرعلی خان محافظین شخصی خود را از بین هزاره‌ها انتخاب می‌کرد که میرهای آن منطقه به دوستی و وفاداری بشخص وی معروف بود، در قطار عساکر وی نیز

بعضی گروهبندی‌های مخصوص هزارگی ساخته شده بودند (تیمورخارف، همان: ۱۶۹).

۴-۶. حمله به بهسود

وقتی شیرعلی خان به بهسود حمله کرد منطقه را کاملاً اشغال و هزاره‌های شیخ علی را مجبور کرد تا از مزاحمت و غارت‌گری دست بردارند. شیرعلی خان درآمدی مخصوص از مناطق دایزنگی و دایکندی بدست آورد. همچنین اقدامات او کنترل کامل ترکستان افغانستان، انقیاد هزاره‌ها و تاتارهای شمال بامیان و یکاولنگ را به دنبال داشت. در حالیکه اتحاد این قبایل در گذشته غیر ممکن بود. البته در مورد مناطق دیگر وضع نامشخص به چشم می‌خورد و طبیعت متناوب این مناطق بر ابهام آن می‌افزود (همان: ۲۶۴-۲۶۵).

۵. استقلال خواهی

امیر شیرعلی خان اولین پادشاه بود که تغییرات متفاوت را در افغانستان به وجود آورد و او برای افغانستان مستقل تلاش می‌کرد. او هیچ دعوی با کشورهای دیگر نداشت و هدف اساسی او حفظ تمامیت ارضی کشور بود. «امیرشیرعلی خان اولین پادشاه سلسله محمد زایی بود که هیچ معاهده‌ای را با خارجی‌ها امضاء نکرد که ناقص استقلال باشد و نه هیچ پارچه زمینی را از افغانستان به یک دولت خارجی گذاشت» (غبار، همان: ۱/ ۹۷۶).

۳-۹. حمله انگلیس به افغانستان

امیر شیرعلی خان در سیاست خارجی به روسیه تمایل داشت و سیاست انگلستان در کشور را قبول نداشت. «او از دولت انگلیس همیشه شکر رنجی داشت که چرا در فلان قرضیه دروغ گفته و از قراردادهای امضاء شده سرباز زده است» (همان: ۱/ ۹۶۰). همین امر باعث شد قوای انگلیس به افغانستان حمله کند.

در سال‌های پایانی حکومت امیر شیرعلی خان، در نوامبر (۱۸۷۸م) قوای انگلیس به افغانستان حمله نمودند. در خلال این جنگ و درگیری به تاریخ ۱۳ دسامبر (۱۸۷۸م)

شیرعلی خان کابل را به مقصد ترکستان ترك نمود. محمد یعقوب خان را که در آن زمان به دست او زندانی بود در کابل به عنوان جانشین تعیین کرد (ورسجی، جهاد افغانستان و جنگ سرد قدرت‌های بزرگ، ۱۳۸۱: ۱/۱۴۹-۱۵۰).

نتیجه

در این تحقیق و پژوهش موضوع « حکومت و سیاست امیر شیرعلی خان در افغانستان » مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت است و چنین حاصل شد. بعد از مرگ دوست محمد خان پسر او شیرعلیخان بعد از تضادها و کشمک‌های داخلی توانیست حکومت را در افغانستان به دست گیرد.

فعالیت‌های امیرشیرعلی خان در افغانستان، بسیار ارزشمند و افتخار آفرین است، امیرشیرعلی خان توانیست یک نوع نظام و ساختار جدید همراه با تغییراتی مثبت در کشور به وجود بیاورد در ابتدای حکومت خود یک دولت فراگیر و متشکل از همه اقوال تشکیل داد و همین مسئله باعث شد همه اقوام از او حمایت کند.

امیر می‌خواست دولت افغانستان مانند سایر قدرت‌های مستقل جهان، در داخل و خارج کشور آزاد و مستقل باشد لذا او تلاش کرد تا تغییرات و نوآوری‌های متفاوت را نسبت به گذشته در افغانستان پایه ریزی کند.

ایجاد دولت فراگیر، ایجاد مکاتب، نظم بخشیدن به دستگاه دولتی، توجه به فرهنگ و شخصیت‌های فرهنگی و... نشان گر این است که او می‌خواست ساختار کهنه حاکم در افغانستان را از بین ببرد و یک سیستم جدید جایگزین آن کند. نوآوری‌های که امیر در بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ایجاد کرد افغانستان در بخش‌های مختلفی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و... به پیش رفت‌های خوبی دست یافت.

امیر شیرعلی خان با توجه به تعامل خوبی که با سایر اقوام داشت، روابط بهتری نسبت به شیعیان هزاره داشت. این تعامل مثبت، حمایت شیعیان از حکومت وقت را به خود جلب

کرد. شیعیان هزاره در راه حمایت از امیر، جانفشانی‌ها کردند و حتی دو هزار نفر از مردم جاغوری به طرفداری از او کشته شدند.

امیر با تفکر استقلال خواهی که داشت، نسبت به حضور و عملکرد انگلیس در افغانستان ناراضی بود. این مسئله باعث شد که انگلیسی‌ها به افغانستان حمله کند. در زمان حمله انگلیسی‌ها شیرعلی خان کابل را به مقصد ترکستان ترک نمود، محمد یعقوب خان را به عنوان جانشین تعیین کرد.

کتاب‌نامه

- پولادی؛ حسن، تاریخ هزاره‌ها (تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی)، تهران، انتشارات محمدابراهیم شریعتی افغانستانی، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- تیمورخارف، تاریخ ملی هزاره‌ها، قم، اسماعیلیان، چاپ اول ۱۳۷۲ش..
- دولت آبادی، بصیراحمد، سیر تحولات فرهنگی و آموزشی در افغانستان، مجله سراج، سال اول، شماره ۱.
- غبار، میرغلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، قم، احسانی، چاپ اول.
- غرجستانی، محمد عیسی، تهیه و تنظیم عزیزالله رحیمی، قم، اسماعیلیان، چاپ اول ۱۳۷۲ش.
- فرهنگ؛ میر محمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، تهران، موسسه انتشارات عرفان، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۵ش.
- ورسجی، محمد ابراهیم، جهاد افغانستان و جنگ سرد قدرت‌های بزرگ، پیشاور، مرکز انتشارات اسلامی صبور، ۱۳۸۱ش.
- ناصری داوودی، عبدالمجید، زمینه و پیشینه جنبش اصلاحی در افغانستان، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
- _____، مشاهیر تشیع در افغانستان، قم، زلال کوثر، چاپ اول ۱۳۸۱ش
- یزدانی (حاج کاظم)، حسین علی، تاریخ تشیع در افغانستان، ناشر مولف، چاپ اول، ۱۳۷۰ش.